

## دعوی مطالبه‌ی جبران خسارت با استناد به کنوانسیون حقوق بشر اروپایی مصوب سال ۱۹۵۰: شرحی بر پرونده ریچارد گرین فیلد علیه وزارت کشور انگلستان<sup>۱</sup>

مجتبی رضایی\*

### چکیده

یکی از دعاوی علیه دولت، دعوی جبران خسارت ناشی از تصمیمات اداری می‌باشد، که براساس آن شخص متضرر از تصمیمات دولت به دلیل ضررهای مادی و معنوی ناشی از نقص یا تقویت عین یا منافع، مبادرت به طرح دعوی علیه دولت می‌نماید. در این پژوهش به تحلیل یکی از آراء صادره از کمیسیون قضایی مجلس لردان انگلستان<sup>۲</sup> راجع به مطالبه‌ی جبران خسارت ناشی از یک تصمیم اداری می‌پردازیم. در این دعوی مدعی خصوصی با استناد به نقض حقوق بنیادین شناخته‌شده در کنوانسیون حقوق بشر اروپایی مصوب ۱۹۵۰<sup>۳</sup> توسط وزارت کشور انگلستان و پیش‌بینی موارد جبران خسارت ناشی از نقض این حقوق در قانون حقوق بشر انگلستان<sup>۴</sup> مصوب ۱۹۹۸ مبادرت به اقامه دعوی علیه اداره می‌نماید. این دعوی در مراحل بدوی<sup>۵</sup> و تجدیدنظر<sup>۶</sup> با موفقیتی همراه نبوده و خواهان یا

---

1. Regina v. Secretary of State for the Home Department (Respondent) ex parte Greenfield (FC) (Appellant) ON WEDNESDAY 16 FEBRUARY 2005

Available at:

<https://publications.parliament.uk/pa/ld200405/ldjudgmt/jd050216/green-1.htm> ( last visited on 14/12/2018)

\* قاضی دادگستری، کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شهیدبهبشتی، تهران، ایران

mojtabarezaei466@yahoo.com

2. House of lord

3. European Convention on Human Rights

4. Human Rights Act

5. High court

6. Appeal court

تجدیدنظرخواه به عنوان آخرین مرحله (فرجام خواهی) مجدداً دعوی خود را در کمیسیون قضایی مجلس لردان، متشکل از لردان حقوقدان و قاضی، مطرح می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** جبران خسارت، تصمیمات اداری، تفویت عین، مجلس لرد

## مقدمه

در انگلستان برای این‌که فرد متضرر از اعمال دولت بتواند خسارات متحمل‌شده را از دولت مطالبه نماید، مجموعه شرایطی لازم است که تمام این شرایط در بند ۴ از ماده ۳۱ قانون دیوان عالی انگلستان مصوب ۱۹۸۱ آمده است. اولاً مطالبه‌ی جبران خسارت باید در ضمن دادخواست نظارت قضایی به خواسته ابطال، الزام یا نقض یک عمل اداری گنجانده شود و به‌شکل خواسته ابتدایی و انحصاری قابل رسیدگی نمی‌باشد. این شرط دو مفهوم دارد؛ یکی از نظر شکلی است که خواسته باید به طریق خاصی به‌همراه درخواست نظارت قضایی مطرح گردد و از نظر ماهوی نیز اگر عمل اداری به واسطه هیچ‌یک از موجبات نظارت قضایی قابل خدشه نباشد، این خسارت قابل مطالبه نیست هرچند بر اثر آن خساراتی به فرد تحمیل شده باشد. ثانیاً دادگاه متقاعد شود که اگر چنین ادعایی در دعوی حقوق خصوصی مطرح می‌شد، مورد از موارد حکم به جبران خسارت قرار می‌گرفت. در دعوی مسئولیت مدنی سیستم حقوقی انگلستان حکم به جبران خسارت حتی علیه دولت منوط به قرار گرفتن موضوع دعوی در یکی از شقوق شبه جرم<sup>۱</sup> می‌باشد. این موضوع برگرفته از مفهوم کامن‌لایی حاکمیت قانون<sup>۲</sup> در سیستم حقوقی انگلستان می‌باشد. بر این اساس، قواعد حاکم بر افراد مختلف جامعه یکسان است و نمی‌توان شخص یا اشخاصی را مستثنی از آن دانست یا قواعد خاصی را بر آن حاکم نمود (زارعی، ۱۳۹۵: ۵). باتوجه به شرط دوم مورد اشاره، ممکن است، تصمیم اداری باتوجه به موجبات نظارت قضایی، غیرقانونی تلقی و نقض شود، اما جبران خسارتی را در پی نداشته باشد (نجات‌خواه، ۱۳۹۱: ۲۸۵).

## تحلیل رأی

### ۱- گردش کار پرونده

آقای گرین فیلد<sup>۳</sup>، خواهان پرونده، فردی است که در یکی از زندان‌های

---

1. tort

2. Rule of law

3. Richard Greenfield

خصوصی انگلستان در حال گذراندن مدت حبس خود بوده است. زندانیان طبق مقررات زندان‌های انگلستان می‌بایست به صورت دوره‌ای آزمایش اعتیاد بدهند. در یکی از آزمایش‌ها مشخص می‌شود یکی از زندانیان که همان خواهان پرونده می‌باشد، به مواد افیونی هروئین اعتیاد دارد. براساس قانون زندان انگلستان<sup>۱</sup> استعمال مواد مخدر ممنوع، تخلف محسوب می‌شود و برای فرد متخلف مجازات‌هایی پیش‌بینی گردیده است. اما در عین حال، براساس همین قانون به فرد متخلف حق دفاع و اثبات بی‌گناهی نیز اعطاء گردیده است. مرجع رسیدگی به تخلف و تعیین‌کننده‌ی مجازات، قائم‌مقام مأمور ناظر زندان<sup>۲</sup> می‌باشد. این مقام از همکاران جانشین رئیس زندان<sup>۳</sup> و به عنوان کارمند اداره، یکی از مستخدمان وزارت کشور انگلستان در زندان خصوصی می‌باشد. خواهان درطول رسیدگی به تخلف، همواره منکر و مُصر بر بی‌گناهی خود بوده و اعلام می‌دارد، مقداری هروئین بدون رضایت و علم استعمال نموده است. بدین نحو که او به اشتباه از سیگارهای حاوی هروئین مصرف نموده و سیگارهای مذکور متعلق به سایر زندانیان بوده و براساس توطئه برخی زندانیان علیه او، سیگارهای عادی با این نوع سیگار جابه‌جا شده است. آقای پری<sup>۴</sup> به عنوان قائم‌مقام ناظر زندان، در طی هفت جلسه‌ی رسیدگی، مبادرت به صدور تصمیم درخصوص تخلف مذکور نموده است. ایشان جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم راجع به تخلف شخص زندانی از اقداماتی شامل تکرار آزمایش‌های اعتیاد، تکرار جلسات رسیدگی جهت استفاده فرد از مشاوره‌های حقوقی و حتی اخذ آزمایش‌های آنالیزی مستقل اعتیاد از متهم و استماع شهادت شهود استفاده نموده است. در طی این مراحل، همه آزمایش‌ها حکایت از مصرف مواد مخدر ممنوعه توسط فرد زندانی داشت. شهادت افراد هم‌بند او، اماره‌ای بر تصادفی بودن مصرف سیگار حاوی مواد مخدر هروئین است. شاهد بیان می‌دارد، اگر این فرد اعتیاد داشته، چرا آزمایش‌های سابق ایشان نشان‌دهنده عدم آلودگی او به مواد مخدر است؟ استعلامات آقای پری نیز بیانگر فقدان سابقه اعتیاد این فرد در

---

1. rule of prison Act 1999

2. deputy controller

3. deputy governor

4. Mr Parry

مدت سپری شده‌ی حبس او می‌باشد. در سیر مراحل رسیدگی، علی‌رغم شناسایی حق مشاوره حقوقی برای فرد زندانی، مقام اداری رسیدگی‌کننده از حضور نماینده حقوقی در رسیدگی ماهوی جلوگیری نموده است. استدلال مقام رسیدگی‌کننده در این خصوص، اخذ وحدت ملاک از اختیار برخی مراجع عالی قضایی در عدم پذیرش حضور نماینده حقوقی در برخی پرونده‌ها می‌باشد.

آقای پری فرد زندانی را بابت انجام این تخلف به تحمل ۲۱ روز حبس اضافه محکوم نموده است. این تصمیم به‌وسیله مرجع صالح اداری بالاتر<sup>۱</sup> تأیید و از این‌جا به بعد سیر شکایات آقای گرین فیلد (زندانی محکوم) آغاز می‌گردد. شکایت خواهان در مراحل قضائی بدوی و تجدیدنظر<sup>۲</sup> با موفقیتی روبه‌رو نشده و بدین نحو، مجبور به فرجام‌خواهی در کمیسیون قضایی مجلس اعیان<sup>۳</sup> می‌شود.

## ۲- خواسته و استدلالات خواهان

خواهان، مستند به مواد ۶ و ۴۱ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و ماده ۸ قانون حقوق بشر انگلستان مصوب ۱۹۹۸ جبران خسارت ناشی‌از تصمیم و اقدام غیرقانونی مقام اداری را مطالبه نموده است. براساس ماده ۶ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، از جمله حقوق افراد این است که رسیدگی به اتهامات کیفری آن‌ها در محکمه<sup>۴</sup> بی‌طرف و مستقل با داشتن حق دفاع توسط وکیل صورت گیرد و براساس ماده ۴۱ کنوانسیون<sup>۵</sup>، اگر دادگاه حقوق بشر اروپایی احراز نماید نقضی درخصوص کنوانسیون یا پروتکل‌ها توسط دولت‌های عضو اتحادیه صورت گرفته و حقوق داخلی کشور مربوطه درخصوص پرداخت غرامت بی‌عدالتی روا داشته باشد، در صورت لزوم باید موجبات رضایتمندی کامل فرد زیان‌دیده را مهیا کند.

ماده ۴۱ کنوانسیون حقوق بشر اروپایی در ماده ۸ قانون حقوق بشر انگلستان<sup>۶</sup> منعکس گردیده است. این ماده بیان می‌دارد:

- 
1. area manager
  2. high court و appeal court
  3. THE LORDS OF APPEAL
  4. tribunal
  5. just satisfaction
  6. judicial remedies

«درخصوص هر عملی از سوی قدرت عمومی که دادگاه‌های صالح انگلستان آن را خلاف حقوق مندرج در کنوانسیون و این قانون تشخیص دهند، دادگاه ممکن است تحت شرایطی حکم به جبران خسارت صادر نماید که در ادامه این شرایط بحث خواهد شد».

براساس این مستندات، خواهان مدعی است که به دلیل رسیدگی کیفری به اتهام او در یک مرجع اداری غیرمستقل و جانبدار و نقض حق دفاع با منع حضور وکیل در جلسه رسیدگی، وی متحمل ۲۱ روز حبس اضافه شده است. چه بسا اگر رسیدگی به اتهام در مرجعی بی طرف و با حضور وکیل صورت می‌گرفت، موجب تبرئه شدن وی می‌شد. رسیدگی به این شکایت در مراحل دوگانه‌ی نظارت قضایی یعنی مرحله بدوی و تجدیدنظر، تنها موجب غیرقانونی اعلام شدن اقدامات اداره گردید ولی شاکی را مستحق اخذ غرامت ندانسته است. بر این اساس آقای گرین فیلد به عنوان آخرین راهکار قانونی، به طرح دعوی در مجلس لردان انگلستان، اقدام نمود. رسیدگی فرجامی در این مجلس، توسط لردان حقوقدان و قاضی به صورت شکلی صورت گرفته است. در ادامه به شرح استدلال‌ات کمیسیون قضایی مجلس لردان می‌پردازیم.

### ۳- استدلال کمیسیون قضایی مجلس لردان

در بررسی قضایی پرونده‌ها، این کمیسیون حسب مورد از ۳ یا ۵ لرد تشکیل می‌گردد. در این پرونده لرد بینگام<sup>۱</sup> به عنوان لرد ممیز یا لیدر، مسئولیت بررسی و اعلام نظر قضایی را برعهده دارد و سایر لردها پس از استماع استدلال لرد ممیز همگی آن را تأیید نموده‌اند.

لرد بینگام پس از بیان سابقه تاریخی کنوانسیون حقوق بشر و تغییراتی که در این خصوص اتفاق افتاده، به تحلیل مستندات خواهان پرداخته است. بر اساس ماده ۸ قانون حقوق بشر انگلستان، شروطی برای حکم به جبران خسارت بیان شده‌است. اولاً احراز نقض یکی از حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط دادگاه، ثانیاً وجود اقتضائات ماهوی حکم به پرداخت خسارت، ثالثاً باتوجه به اوضاع

---

1. Lord bingham of cornhill

و احوال خاص قضیه، دادگاه قانع شود که جبران خسارت برای تأمین رضایت‌مندی زیان‌دیده لازم است و رابعاً براساس رسیدگی دادگاه، پرداخت غرامت عادلانه و مناسب باشد. او بیان داشته که شرط اقناع وجدانی دادگاه برای تشخیص لزوم جبران خسارت یک ملاک فاقد سابقه عینی است و بسته به شرایط هر پرونده باید بررسی شود.

لرد بینگام سپس به تشریح حقوق مندرج در کنوانسیون پرداخته و ضمانت اجرای نقض این حقوق را بررسی نموده است. او تفاوت در ضمانت اجرای حقوق مندرج در مواد ۳ و ۵ با ماده ۶ مورد استناد دعوی خواهان را مورد بررسی قرار داده است. براساس مواد ۳ و ۵ سلب آزادی و امنیت اشخاص مثل به بردگی گرفتن و شکنجه لزوماً با جبران خسارت همراه بود لکن رویه قضایی دادگاه حقوق بشر اروپایی این را نشان داده که صرف محروم‌سازی از حقوق مندرج در ماده ۶ کنوانسیون، موجب صدور حکم به جبران خسارت نشده است. به نظر لرد بینگام کنوانسیون پیش از آن‌که بر روی مسئله‌ی جبران خسارت متمرکز باشد، حمایت از حقوق بشر را مورد توجه قرار داده است. جایی که احراز شود ماده ۶ توسط قدرت عمومی رعایت نشده، ضمن نقض تصمیم، محاکمه جدیدی با رعایت حقوق این کنوانسیون ترتیب داده می‌شود. لرد بینگام وجود ضرر و ارتباط علی آن با مقام اداری را تأیید می‌کند اما وجود سایر شرایط را برای حکم به جبران خسارت ضروری می‌داند. ایشان به عنوان آخرین سطور رأی خود بیان داشته است:

«من استدلالات خواهان را رد می‌کنم و اکنون می‌پذیرم که آقای پری صلاحیت ذاتی و بی‌طرفی لازم برای رسیدگی به چنین اتهامی را نداشته است. اما با این وجود آقای پری نشان داد که آن‌چه در اخذ این تصمیم اقدام نموده، مبتنی بر هوشیاری و صبوری ستودنی و با ملاحظه منافع خواهان بوده است. دلایل دفاع در آن رسیدگی برای مقام رسیدگی‌کننده واضح و روشن بوده است و آقای پری براساس مجموعه رسیدگی‌ها از دلایل ارائه‌شده توسط خواهان به اقناع وجدانی نرسیده است. این‌که اگر خواهان در آن رسیدگی دارای وکیل بود، امکان متقاعد نمودن مرجع رسیدگی‌کننده به انصراف از این تصمیم وجود داشت، اندیشه مناسبی نیست. تصمیم اتخاذشده براساس قاعده بوده و هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به

او و سایر موارد مشابه صورت نگرفته است. در این پرونده ویژگی خاصی وجود ندارد که اقتضاء جبران خسارت را نماید. بر این اساس خواهان نتوانست دلایل موجهی را ارائه نماید تا براساس آن رأی مرحله قبل نقض و پرونده برای تعیین خسارت به مرجع پایین تر ارسال گردد. اما همچنان این امکان برای او وجود دارد که بر اساس قواعد عمومی شبه جرم<sup>۱</sup> و تکلیف به مراقبت<sup>۲</sup> اقدام به طرح دعوی جدیدی نماید. آن چه در این رأی به عنوان حکم نهایی ذکر گردیده، صرفاً غیرقانونی بودن اقدامات وزارت کشور در فراهم نمودن رسیدگی مستقل و محروم نمودن خواهان از داشتن وکیل را اعلام می‌دارد».

### نتیجه

با تصویب قانون حقوق بشر انگلستان اگرچه تحولات عظیمی در حوزه نظارت قضایی بر دولت ایجاد شده است، لکن در همین تحول، هرکجا که قواعد کامن‌لا امکان ظهور یافته، اثر قدرتمند خود را اعمال نموده است. در پرونده مورد مطالعه، اگرچه امکان حکم به جبران خسارت ناشی از نقض حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق بشر اروپایی توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر در مواردی که در کشورهای عضو به شکل غیرعادلانه انجام گرفته است، وجود دارد، لکن سیستم حقوقی انگلستان در خصوص موارد جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر مصرح در کنوانسیون، چارچوب‌های خاصی مبتنی بر قواعد کامن‌لا را پذیرفته است. لذا ممکن است، تصمیم‌گیری با توجه به موجبات نظارت قضایی، غیرقانونی تلقی و نقض شود، اما جبران خسارتی را در پی نداشته باشد.

---

1. tort  
2. duty of care



### فهرست منابع

- زارعی، محمد حسین، جزوه حقوق اداری تطبیقی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵.
- نجابت‌خواه، مرتضی، روش‌های جبرانی قضایی در حقوق اداری ایران و انگلستان، خرداد ۱۳۹۱، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.